

## سد سیاست

### سیاست مسدودسازی غیرهوشمند عوارض گسترده ای برای کشور دارد



محمد مهدی شهریزی

عضو کمیسیون امنیت ملی

آمار و ارقام مشخصی درباره فیلترینگ وجود دارد که نشان می‌دهد سیاست مسدودسازی غیرهوشمند در فضای مجازی از نظر سیاسی و اجتماعی چه عوارض بزرگی برای کشور در پی دارد و در مقابل رفع فیلتر چه مزایایی حتی برای حاکمیت به دنبال خواهد داشت.

بنابر این مصلحت کشور در این است که فیلترینگ رفع شود و دولت نیز با اقناع منطقی مخالفان این مسأله را پیگیری کند.

البته شرایط خاص

سیاست‌های خاص خود را می‌طلبید. اما سمت دیگر ماجرا که نباید نادیده گرفت این واقعیت است که در آینده‌ای نه چندان دور گوشی‌های بدون سیم‌کارت تولید می‌شوند و قابلیت اتصال مستقیم و اتوماتیک به ماهواره‌هایی همچون ماهواره استارلینک را خواهند داشت. در آن شرایط دیگر فیلترینگ محلی از اعراب نخواهد داشت. چه بهتر که ما خود را امروز با تکنولوژی‌های روز هماهنگ کنیم و از هم‌اکنون به راه‌حل عملی و عقلایی پاسخ به تهدیدهای احتمالی در آینده بیاوریم. جدای از بحث پیشرفت تکنولوژی در آینده، امروزه بسیاری از جامعه‌شناسان و روانشناسان به تبیین این واقعیت پرداخته‌اند که زیان فیلترینگ بسیار بیش از منافع آن بوده است و دسترسی نامحدود افراد جامعه از سنین مختلف به انواع محتوای مجازی به واسطه استفاده از فیلترشکن بسیار آسیب‌زا بوده است.

وجه سیاسی ماجرا نیز حائز ملاحظات جدی است. اگر چه متأسفانه فیلترینگ و رفع آن به بحثی سیاسی و جناحی تبدیل شده است. اما بر همین اساس باید پذیرفت که مردم در انتخابات ریاست جمهوری فردی را برگزیدند که رفع فیلترینگ یکی از وعده‌های مهم انتخاباتی اش بود. عوارض مانع تراشی در برابر تحقق این وعده و بی‌اعتماد کردن مردم به روند تغییر از مسیر دموکراتیک و صندوق رأی آتشی است که اگر چه در وادی امر برخی آن را ابزاری برای تضعیف دولت رقیب می‌بینند اما در نهایت دودش به چشم همه جریان‌های فعال در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران می‌رود. اعتماد نکردن مردم به صحبت‌های مقامات و مسئولین کم‌کم باعث می‌شود که مشروعیت صحبت‌ها و درخواست‌های ما در بین مردم از میان برود و جایگاه حاکمیت در بین مردم کمرنگ شود. بنابراین توقع این است که هم دولت با جدیت بیشتری پیگیر پروژه رفع فیلتر و اقناع مخالفان آن باشد و هم مخالفانی که خود را دوستدار کشور و نظام می‌دانند با این منافع و مصالح همراهی کنند. 

انگشت‌شان را روی یک افزونه یا پیام‌رسان می‌گذارند تا از طریق آن با دوست‌شان صحبت کنند یا کسب‌وکارشان را پیش ببرند و از تحولات جدید جامعه خبردار شوند با هر کلیک ناموفق احساس نارضایتی از دولت و حاکمیت را تجربه می‌کنند. این عدم موفقیت در ایجاد ارتباط سهل‌گیر از ناراحتی به دلیل هزینه‌ای است که آنها ناچار می‌شوند برای خرید فیلترشکن و خرابی پیش از موعد باتری موبایل‌هایشان پرداخت کنند. به هر حال باید بروند و فیلترشکن را روشن کنند؛ این برای جامعه یک خطر بسیار عمیق و جدی است و نাত্রازی سیاسی و ناامیدی را به جامعه تحمیل می‌کند.

مغالطه دیگری که اغلب از سوی مخالفان رفع فیلترینگ فضای مجازی مطرح می‌شود این است که مگر این مطالبه در مقابل خواست مردم برای بهبود معیشت‌شان چه اهمیتی دارد. آنها فراموش می‌کنند که در دنیای کنونی کسب‌وکارها مستقیماً و به صورت جدی به فضای مجازی و اتفاقاً برخی شبکه‌های اجتماعی که در ایران مسدود شده‌اند، وابسته‌اند. تا آنجا که برخی از این شبکه‌ها حتی به‌رغم فیلتر شدن، مهد اصلی صفحاتی هستند که به اشتغالزایی، تبلیغ و حمایت از تولیدات خانگی و واحدهای کوچک تولیدی اختصاص دارند و توانسته‌اند سهمی در کاهش نرخ بیکاری داشته باشند.

فراتر از این در پاسخ این مغالطه باید گفت، حتی اگر رفع فیلترینگ مطالبه درجه یک جامعه نباشد هم حاکمیت باید تلاش کند آن را درجه یک‌تر کند. چون این مطالبه‌ای است که جوابگویی به آن سهل‌الوصول‌تر است، مخاطبان گسترده‌ای دارد و روحیه و امید به جامعه می‌دهد. رفع فیلترینگ حتی از لحاظ امنیتی هم اقدام عقلایی است. چون با فیلترینگ حتی ردیابی خرابکاران خیلی مشکل است. مضافاً اینکه اگر فیلترینگ نباشد و دسترسی‌ها بیشتر باشد انبوه فیک‌نیوزها به چشم می‌آید و جامعه امید و اعتمادش را از فیک‌نیوزها پس می‌گیرد. بر اساس همه آنچه اشاره شد، امیدوارم رفع فیلتر همچنان اولویت کار دولت باشد و پرونده‌اش از روی میز برداشته نشود. 

